فلسطین-اسرائیل

«نقشه راه» صلح خاورمیانه، گامی دیگر به‌سوی جنگ و تروریسم

«نقشه راه»، توافق بر سر دولتی بدون مرزهای مشخص و حاکمیت ملی

در روز دهم اردیبهشت سرانجام و با گذشت تقریباً یک سال از توافق روی طرح موسوم به «نقشه راه» صلح خاورمیانه در بین قدرت‌های جهانی (آمریکا، روسیه، اتحادیه اروپا و سازمان ملل) طرح مزبور به آریل شارون نخست‌وزیر اسرائیل و محمود عباس نخست‌وزیر دولت خودگردان فلسطینی تسلیم گشت.

بنا به گزارشات مبسوطی که رسانه‌های خبری رسمی حول طرح صلح «نقشه راه» داده‌اند، طرح مزبور شامل سه فاز و مرحله می‌باشد. در فاز اول که گویا باید تا ابتدای ژوئن ۲۰۰۳ تداوم یابد، قرار است تا خشونت به‌صورت نامشروط یا به زبان دیگر بدون قید و شرط از هر دو طرف خاتمه داده شود. در مرحله دوم که از ژوئن تا دسامبر ۲۰۰۳ ادامه خواهد داشت قرار است تا در پی انتخابات فلسطین، یک کنفرانس بین‌المللی برای «ایجاد یک دولت مستقل فلسطینی با مرزهای موقت» در سال ۲۰۰۳ برگزار گردد.

فاز سوم طرح «نقشه راه» که گویا می‌بایست تا سال ۲۰۰۵ تداوم یابد، شامل «تحکیم روند رفرم و ایجاد ساختارهای فلسطینی و سرانجام مذاکره دو دولت اسرائیل و فلسطین برای حصول موافقت‌نامه و عادی شدن روابط اسرائیل و کشورهای عربی» خواهد بود.

طرح «نقشه راه» صلح خاورمیانه سومین اقدام قدرت‌های سرمایه‌داری طی دو سال اخیر به‌منظور مهار مناقشات میان اسرائیل و فلسطین است. پیش‌تر طرح موسوم به گزارش میچل تدوین شد که از همان ابتدا موفقیتی در برنداشت. سپس رئیس سازمان سیا، «جورج تنت» در خردادماه سال ۱۳۸۰ به میان آمد. اکنون نیز طرح جدید «نقشه راه» با همکاری دیگر قدرت‌های جهانی به اجرا گذاشته می‌شود.

این طرح به‌رغم قبول ضمنی راه‌حل «دو کشور»، چیزی درباره حدودوثغور محدوده دو کشور نگفته است. از همین رو نیز روشن نیست که کشور فلسطینی موردنظر طرح «نقشه راه» در کجا و چگونه ایجاد خواهد شد. با توجه به اینکه در حال حاضر کرانه غربی به‌صورت سه منطقه مجزا و تحت کنترل شهرک‌های یهودی‌نشین است، روشن نیست که عبارت «فلسطین و مرزهای موقت» کدام موقعیت جغرافیایی را مدنظر دارد. این بدین معنی است که طرح مزبور سخن از کشوری میراند که دارای مرزهای مشخص نیست. به زبان حقوق بین‌الملل در علوم سیاسی، سخن از دولتی است بدون سروری ملی، بدون تسلط کامل بر مرزهای ملی و از این دریچه بدون قوای منظم و مسلح جهت دفاع از مرزهایی که حد و حدود سروری ملی یا حاکمیت کامل یک دولت را (ملت) را تعیین می‌کند.

بدین ترتیب عبارت دولت فلسطین و مرزهای آن در طرح با توجه به وضعیت کرانه باختری و غزه، محدودیت‌هایی برای سیاست اشغالگرانه اسرائیل تعیین می‌کند ضمن اینکه دست دولت اسرائیل همچنان برای تغییر نقشه باز گذاشته‌شده است. در این معنا سخن از دولت و مرز بدان گونه که در طرح مزبور فرمول‌بندی شده بنا به عرف و قوانین سرمایه‌داری جهانی و دولت‌ها و حقوق بین‌الملل از زاویه علوم سیاسی و مفهوم ملت - دولت، طرحی گنگ، نامفهوم و غیر مشخص است. افزون بر آن اگر این حدودوثغور جغرافیای سیاسی و حاکمیت دولت مشخص می‌بود، عدم برخورداری «دولت موردنظر یا مفروض» از نیروی مسلح و مقتدر جهت اعمال حاکمیت «ملی» یا سروری سیاسی، هنوز بیانگر یک طرح قابل‌اجرا نیست.

«نقشه راه»، طرحی برای تداوم تروریسم و جنگ‌های آتی

این نکات به اشکال مختلفی از طرف کارشناسان دستگاه‌های سیاسی و مشاوران علوم سیاسی مورداشاره قرارگرفته و از نگرش علمی و طبقاتی، جز خرده‌گیری بورژوایی و حقوقی به طرح «راه نقشه» نیست. آنچه از نظرگاه علمی و مارکسیستی باید دراین‌باره بیان شود عبارت است از ناتوانی قدرت‌های جهانی در تعیین دولت‌های ملی جدید در غیاب جنگ‌های گسترده‌ای که تغییرات جغرافیای سیاسی را به زور نیروهای مسلح و کشتار عمومی ممکن می‌سازد.

هدف اصلی همه جنبش‌های ملی، تعیین یک دولت بورژوایی است. جنبش ملی فلسطین یا بدان گونه که در ادبیات جناح چپ و مارکسیسم‌های بورژوایی از آن نام می‌برند، جنبش خلق فلسطین، همانند دیگر جنبش‌های ملی در پی ایجاد یک دولت فلسطینی است. امری که به ناگزیر باید موردتوافق قدرت غربی و بورژوازی عرب و نهادهای بین‌المللی سرمایه باشد. طرح «نقشه راه» البته که حمایت قدرت‌های اصلی جهانی را به دست آورده است. این طرح اما قادر به جلب رضایت بورژوازی عرب نخواهد بود. افزون بر آن، روند وقایع حاکی از آن است که فضای سیاسی حاکم بر جهان بعد از اشغال نظامی عراق توسط آمریکا زمینه را برای تروریسم دولتی و جنگ‌های نیابتی میان دولت‌های منطقه و حتی قدرت‌های جهانی بر سر مناطق و بازارها بیش از بیش فراهم ساخته است.

طرح «نقشه راه» نه به دنبال صلح است و نه طرحی برای ایجاد یک دولت جدید فلسطینی. این طرح را باید جزئی از استراتژی جنگی آمریکا برای تسلط کامل بر خاورمیانه و از این مجرا تحکیم سلطه اسرائیل بر منطقه و ایجاد دولت‌های دست‌نشانده یا تداوم سلطه آمریکا و غرب در منطقه، ایجاد پایگاه‌های نظامی و حتی اعمال بیشتر فشار به کشورهای «سرکش» نظیر سوریه و ایران به منظور کنترل کامل بازارهای نفتی تلقی کرد. «نقشه راه» گام دیگری است به‌سوی تروریسم دولتی و از این مجرا تقویت تروریسم گروهی و غیر دولتی. این طرح در بهترین حالت تداوم تروریسم دولتی و غیر دولتی است که در نهایت گرمی بازار سلاح و پیشبرد استراتژی جنگی آمریکا در منطقه خاورمیانه را تضمین می‌کند.

هدف دیگر آمریکا خلع سلاح سیاسی اتحادیه اروپا است که می‌کوشد تا با اتخاذ سیاست حمایت محتاطانه از بخش بورژوازی اسلامی و از جمله فلسطین نفوذ خود در منطقه را گسترش دهد. روندی که در صورت موفقیت، قدرت‌گیری اتحادیه اروپا و قطب‌بندی جهانی سرمایه را تسریع خواهد کرد.

توافق قدرت‌های جهانی حول طرح مزبور بیانگر عقب‌نشینی‌های نسبی دیپلماتیک هر یک از آن‌ها برای دست‌یابی به توافق موقت بوده است. «نقشه راه» نه راه‌حل مسئله فلسطین، بلکه توافقنامه قدرت‌های جهانی و تعیین چهارچوب سیاسی رقابت‌های آتی حول مسئله فلسطین برای جلب بورژوازی عرب به‌سوی خویش است.

ترجمان عملی این توافق دیپلماتیک را توازن قوای این قدرت‌ها در کشمکش‌های نظامی و سیاسی آتی روشن خواهد کرد. تلاش برای صلح و مبارزه با تروریسم اسم رمز در انحصار گرفتن سلاح و ابزارهای پیشرفته جنگی است. در شرایطی که بحران سرمایه‌داری هر روز گوشه‌ای از جهان را به درون شعله‌های خانمان‌سوز جنگ می‌کشد، سازماندهان این نظم جهنمی بیش از بیش فریاد صلح سر می‌دهند.

محمد کشاورز

۱۳ خرداد ۱۳۸۲

توضیح ناشر: مقاله حاضر برای اولین بار در ژوئن ۲۰۰۳ نشریه «مبارزه طبقاتی» منتشر گشت. نسخه دوم این نوشتار همراه با اصلاحاتی ۲۰۰۶ در یکی از سایت‌های «تکا» تجدید چاپ شد. متن حاضر نسخه اصلاح‌شده مقاله در چاپ دوم است.